

چند نکته از چندستان

مسئله مطالعات راجع به شرق و کشورهای آسیا و آفریقا و باز شدن پای اروپائینها و بعد آمریکا نینها به کشورهای اخیرالذکر خود بحث مطولی دارد که حتی گذری اجمالیا از آن بصورت مقدممای برایین بحث ، از حوصله و موضوع مقاله حاضر خارج است . بطور کلی لازم بذکر است که اولین آشنائی غرب با کشورهای آسیائی بوسیله انتشار یافتن سفرنامه های سیاحان اولیه مانند ، ادام الثاریوس - ویلیام متد - سرتما سرو - جان شاردن - تاورنیه و غیره حاصل شد . بدیهیست انگیزه اولیه این سیاحان در آغاز بررسیهای بازرگانی بود و سر و کار آنان اکثر بادربار حکمرانان وقت و برنامه اصلی آنان نظاره بر منابع طبیعی و مواد مصرفی و مشاهده اجتماعات مناطق مختلف و تعیین نوع احتیاجات آنها بود . ما ست . باز شدن راه خارجیان به شرق در اکثر نقاط باعث اعزام هیئتهای مبلغین مذهبی شد . شک نیست که بخش اعظم مطالعات راجع به تاریخ - جغرافیا - زبان - مذهب و رسوم کشور - های آسیائی را برخی از همین مبلغین و مأمورین دولتهای غرب شروع کردند . در حال حاضر تعداد زیادی کتاب تقریباً در هر رشتهای راجع به مسائل مختلف در امور مربوط به شرق وجود دارد که هر چند سال یکمرتبه بسته به تغییرات اجتماعی و سیاسی و تاریخی مطالعات جدیدی بر آنها اضافه میشود یکی از مسائلی که در دو قرن اخیر مورد توجه خاورشناسان غربی واقع شده ، دستور زبان میباشد . میدانیم زبان فارسی دارای ادبیات بسیار غنی و با سابقه و گسترش فوق العاده است و سالیان درازی زبان و ادبیات فارسی در ایران وهند و برخی کشورهای همجوار رواج داشته و از طرفی بخش مهمی از فرهنگ مردم آن نواحی را تشکیل میدهد و از طرفی برای برقراری ارتباط با مردم این مناطق آشنائی با زبان فارسی نهایت ضرورت را داشته است و برای آشنائی با روحیه مردم این نواحی همه ساله عدمای تحت عنوان علاقمند به مطالعات شرقی به مسافرت و جمع آوری اطلاعات تاریخی - ادبی - جغرافیائی و مسائل دیگر مشغولند . شک نیست که در آغاز برای پی بردن بروحیه این مردم و زیر و بمهای فکری آنان بررسی متون ادبی و تاریخی و مذهبی آنان لازم بوده است و برای این منظور تدوین فرهنگ واژه ها و مسئله دستور زبان اهمیت یافته است . بهیتر افرادی که بنگاشتن دستور زبان همت گماشته اند غالباً افرادی بوده اند که خود اهل آن زبان نبوده اند . غالباً بشهادت تاریخ نگاشتن دستور زبان ، دستور برای زبانهای نوشته میشد که بعنوان زبان دوم آموختن آن برای مردمی که زبان مادری آنها چیز دیگری

بوده ضروری مینموده است. بهمین مناسبت است که دستور زبان عربی (صرف ونحو) در آغاز توسط ایرانیان طرحریزی گشت و کوشش ایرانیها در تدوین و تنظیم قواعد آن بهترین دلیل مسئله سابق الذکر بشمار میرود. از طرف دیگر ایرانیها بسبب وابستگی بزبان مادری خود بدانحد که در دوران درخشان تمدن اسلامی برای شرح و توصیف زبان عربی کوشش بعمل آوردند نسبت به تدوین دستور زبان مادری خود (فارسی) اثر در خور توجهی باقی ننهاده اند. بدیهیست این مسئله چندان عجیب نمی نماید چون زبان عربی زبان کتاب آسمانی قرآن مجید است و آموختن آن در مدارس برای مسلمانان ایران لازم بوده و هست. از طرفی زبان عربی بتدریج زبان علمی و فلسفی دوران باشکوه تمدن اسلامی گشت و از همین رو محققین و پژوهشگران سایر ملل نیز ناچار بودند مطالب خود را بآن زبان بنویسند و کتابهای علمی را بآن زبان بخوانند، از همین رو است که آشنائی با زبان عربی برای اهل قلم و مطالعه ضرورت داشته و در اینصورت برای آشنائی با زبانی که غیر از زبان مادری باشد ناگزیر مطالعه دستور آن زبان ضروری مینماید. بهمین مناسبت است که ملاحظه میکنیم با استثنای سده اخیر، کوشش پژوهشگران ایرانی بیشتر مصروف نوشتن قواعد صرف و نحو زبان عربی بوده است و از قرن حاضر است که بتدریج توجه به تدوین و تنظیم دستور زبان فارسی توسعه یافته است.

از نظر جمع آوری لغات و تدوین فرهنگ زبان فارسی، اولین فرهنگهایی که در دست است بیشتر مجموعه های کوچکی میباشد که شامل فهرست واژه های مهجور و ادبی زمان خود میباشد، تدوین فرهنگهای بزرگتر از زمان صفویه آغاز شد و بیشتر در هند و ترکیه تهیه گشت. علت اساسی مسئله سابق الذکر نیز بهمان دلیل است که ایرانیان را به وضع صرف و نحو عربی واداشت، یعنی چون زبان فارسی و ادبیات آن در هند و ترکیه و برخی از کشورهای همجوار از اعتبار خاصی برخوردار بود و این زبان، زبان درباری هندوستان نیز بوده و ادبیات ایران بخش اساسی فرهنگ آن سرزمین را تشکیل میداده، این ضرورتها باعث تشجیع نویسندگان فرهنگ فارسی شد. همانگونه که ذکر شد درباره دستور زبان فارسی تا دوران اخیر، بصورت مستقل رسالهای تنظیم نیافت و بیشتر مطالب دستوری ضمن مباحث معانی بیان در کتابهای معانی بیان ذکر شده است.

اولین دستور زبان فارسی در غرب در قرن هفدهم میلادی انتشار یافت (۱) و اولین فرهنگ واژگان فارسی در سال ۱۶۸۴ میلادی منتشر شد (۲) که در حقیقت فهرستی از واژگان فارسی و معادل لاتین آن بشمار میآید. این فرهنگ بعدها مورد استفاده بسیاری از فرهنگ نویسان واقع شد که فرهنگهای فارسی بزبانهای - لاتین - فرانسه - انگلیسی و

آلمانی منتشر کردند. این فرهنگها را بیشتر مبلغین مذهبی که بایران و ترکیه و هند اعزام میشدند یا مأمورین رسمی انگلیسی که در هند مأموریت داشتند نوشتند که بعدها برای همقطاران و همکاران آنها مورد استفاده واقع شود. آخرین و کاملترین اینقبیل فرهنگها، فرهنگ فارسی بانگلیسی Steingass است که در سال ۱۸۹۲ منتشر شد.

چون بحث ما بررسی در چند نکته از سه دستور زبانی است که امروز در دانشگاههای اروپا و آمریکا رواج فراوان دارد و بیش از همه در کشورهای انگلیسی زبان (وگاهی در ایران) مورد استفاده واقع میشود بنابراین بررسی سابقه امر را بهمین جا محدود میکنم و به بررسی این چند دستور میپردازم.

از آنجا که پیشرفت سریع صنایع و علوم جدید در کشورهای غربی چشمگیر است، هم از نظر اقتصادی و گاه متأسفانه از نظر فکری برخی افراد جوامع شرق را بصورت مصرف کننده صرف درآورده و کم کم فریفتگی بر پیشرفتهای صنعتی و تکنولوژی غرب باعث شده که امر بر خود غریبها مشتبّه شده و کم کم این توهم برای آنان ایجاد شود که علم و تفکر را در انحصار خود دارند، در نتیجه نوشتهها و افکار و عقاید خود را بویژه در علوم انسانی حجت قاطع بدانند و برخی از دانشجویان شرقی هم پیشرفتهای تکنولوژی آنان را تعمیم بسایر رشتهها داده و با اعتماد زیاد آماده پذیرفتن هرگونه آراء و عقاید آنان میشوند. بجای آنکه عقل سلیم را ملاک قرار دهند و بقول مرحوم قزوینی هر مطلبی را "بدون آنکه بمحک اعتبار بزنند" وحی منزل ندانند و در هر چیزی عقل خداداد را که معیار تمیز حق از باطل فقط اوست توأم با علم اکتسابی میزان قرار داده و همه چیز را با آن ترازو بسنجند (۱) همانگونه که اشاره رفت بدون تفحص و ارزشیابی اینقبیل آثار را چشم بسته مورد پذیرش قرار میدهند. از آنجا که سه کتاب دستور زبان مورد نظر در حال حاضر در اکثر گروههای فارسی مدارس مطالعات شرقی کشورهای انگلیسی زبان تدوین میشود و توسط برخی از دانشجویان ایرانی نیز روش آنان در تهیه پایان نامههای فوق لیسانس یا دکترا مورد تقلید واقع میشود لازم دیدم تا آنجا که حوصله این مقاله اجازه میدهد نمونهای از اشکالات موجود در آنرا باستحضار خواننده عزیز برسانم و بقیه ایرادات از اینقبیل کتابها را بمقاله‌های بعدی محول کنم. در اینجا لازم بذکر است که بسیاری از کتابهایی که توسط خاورشناسان غربی چاپ شده است سالها قبل از انتشار از طریق دانشجویان ایرانی که برای تحصیل و دریافت درجه دکترا بخارج میروند مورد بررسی قرار گرفته و حلاجی شده و دقیقاً نکات لازم را با استادان خود در میان میگذارند معهداً نتایج نهائی که استادان

مذکور بجاپ میروانند جای بحث فراوان دارد.

اولین دستور زبان مورد بحث "دستور زبان فارسی معاصر" نام دارد که مؤلف آن آقای پرفسور جان - آندرو - بویل استاد دانشگاه منچستر (انگلستان) میباشد (۱) در صفحه اول کتاب مذکور الفبای فارسی را با تلفظ آن و شیوه آوانگاری حروف مذکور ارائه دادماند. در همان صفحه شرح دادماند که "ایرانیها الفبای عربی را مورد استفاده قرار میدهند که از ۲۸ حرف آن ۴ حرف جدید گ - ژ - چ - پ در عربی کلاسیک نیامانده است"، تلفظ الفبای فارسی را که در ستون Transcription با حروف آوانگاری بدست دادماند هیچکدام با شیوه ادای آن در زبان فارسی مطابقت نمیکند و بنظر میرسد که شیوه تلفظ نشانه‌های الفبا را مطابق زبان عربی نوشته‌اند که طبیعتا با فارسی در بسیاری جهات تفاوت دارد. مثلا در مقابل حرف ث ی و در مقابل حرف ط - ف (هر دو با نقطه در زیر آن) نوشته‌اند، در حالیکه میدانیم، ما در زبان فارسی حروف ث - ص و س را یکسان ادا میکنیم و همچنین است برای حروف ض - ظ و ذ که حروف اخیرالذکر را همه مانند همان Z = ادا میکنیم و ع عربی را درست مانند همزه میگوئیم همچنین است کلماتی که دارای ح است و در فارسی بصورت ه = ه ادا میشود. هرگاه استاد محترم کلمه آوانگاری را بالای ستون مذکور بکار نبرده بودند، شاید میشد خود را قانع کرد که منظور ایشان از بکار بردن نشانه‌های تلفظ زبان عربی! در دستور زبان فارسی؟ این بوده است که خواستماند انتقال حرف بحرف یعنی Transliteration بدست دهند ولی ذکر کلمه Transcription در فوق فهرست نشانه‌های فونتیک این شبهه را برطرف میسازد که منظورشان ارائه تلفظ بوده است مضاف برآنکه در تمام صفحات کتاب از همین شیوه پیروی کرده‌اند که بسی از اعتبار کتاب کاسته است و نقضی است که محدود به یک یا چند مثال نمیشود و تقریبا تمام مثالهای کتاب را دربر گرفته است. نویسنده کتاب سابق‌الذکر در صفحه ۳ ضمن تشریح نشانه‌های خود باین مسئله معترفند که حروف ث - ح - ذ - ص - ط - ظ درواژه‌های عربی می‌آیند و توضیحی دادماند که به تغییر این موارد در ادای کلمات عربی وارد زبان فارسی شده واقفند او در اینصورت جای تعجب است که در تمام صفحات دستور زبان خود تلفظ عربی واژه‌ها را با حروف فونتیک ارائه دادماند.

در صفحه ۴ ضمن مثالهایی که برای واژه‌های عربی زده‌اند کلمه "صد" را هم عربی

1- Grammar of modern Persian - J. A. Boyle. 1966.

۲- این اشتباهات را نویسندگان تاریخ ایران کمبریج عینا در تمام چند جلد کتاب

قطور مذکور تکرار کرده‌اند که خود جای بحث مفصل جداگانه دارد.

The Cambridge History of IRAN Vol-1 Edited by W. B. Fisher.

پنداشته‌اند. در حالیکه این کلمه در زبان اوستائی Sata و در پهلوی Sat و در کردی Sed است. بنابراین این کلمه فارسی است، گمان می‌رود وجود حرف ص در صورت نوشتاری کلمه باعث چنین اشتباهی برای استاد شده باشد که واژه فوق را عربی تصور کنند. البته هرگاه معنای آنرا بصراحت Hundred نمی‌نوشتند ممکن بود نویسنده این مقاله تصور کند که انشاءالله منظورشان کلمه عربی صد بمعنای برگردانیدن است ولی تصریح معنای کلمه اشکال را ظاهر می‌سازد.

در صفحه ۳ ضمن آوانگاری کلمات غذا و کاغذ آنها را با نشانه $\text{غ} = \text{X}$ ارائه داده‌اند، در صورتیکه باید دانست در زبان فارسی رایج امروز کلیه اینقبیل کلمات با $\text{ق} = \text{G}$ ادا می‌شود. تنها جائیکه بین دو "واج" مذکور تمایز قائلند در شیوه تلفظ اهالی بومی کرمان و برخی نقاط نیز دو نقاط فیما بین است که طبیعتاً نمیتوان این مسئله را برای زبان فارسی بطور کلی تعمیم داد، همین اشتباه در صفحات ۳۶ و ۵۰ و ۵۱ نیز مکرراً تکرار شده است و در ضمن مثالهای دیگری که داده‌اند نیز همین روش را جاری ساخته‌اند. همچنین در صفحه ۱۰ نوشته‌اند $\text{ق} = \text{Q}$ که بیشتر در کلمات ترکی و عربی می‌آید و (در فارسی) مانند $\text{غ} = \text{X}$ تلفظ می‌شود مثالهایی هم مانند قهوه - حلق - برق داده‌اند، در صورتیکه حقیقت امر کاملاً برعکس اینست که مرقوم داشته‌اند و کلیه این کلمات با همان ق تلفظ می‌شود نه غ .

در بسیاری از مثالهای کتاب اصولاً اعراب‌گذاری نه با آوانگاری که خود ارائه داده‌اند مطابقت دارد نه با شیوه ادای زبان فارسی. بطور مثال در صفحه ۱۱ کلمه "نوع" را با فتحه بر حرف اول "ن" و روغن را با فتحه بر حرف "ر" نوشته‌اند، همچنین است در مورد کلمه "صید" که در صورت نوشتاری فارسی آنرا بفتح اول نگاشته‌اند در حالیکه در آوانگاری همان کلمه آنرا با کسره - Se نشان داده‌اند. در کلمه حیوان هم همین عدم تطابق بچشم می‌خورد، چون در صورت نوشتاری با فتحه است در صورتیکه در آوانگاری آنرا هم مانند صید با کسره نشان داده‌اند و بهر حال نه صورت نوشتاری فارسی ایشان با شیوه ادای رایج زبان فارسی تطابق دارد نه آوانگاری ایشان با صورت نوشتاری فارسی.

در صفحه ۱۲ تحت عنوان Long diphthong کلمه نای را مثال زدند و آوانگاری

آنرا چنین داده‌اند hāi در حالیکه در صفحه ۱۸ در عبارت "پای سگ" پای را بدینصورت pāy آوانگاری کرده‌اند که البته صحیح است، حال این سؤال پیش می‌آید که چه تفاوت است بین شیوه ادای کلمه "نای" و "پای" چون بجز واج آغاز دو واج دیگر در زبان فارسی

۱- بعلمت بسهولت میسر نبودن حروف آوانگاری (فونتیک) در چاپخانه حتی الامکان

از بکار بردن این حروف خودداری شده است و بجای آن از حروف فارسی استفاده گشته.

بکس ادا میشود در حالیکه آقای بویل هرکدام را بنحوی آوانگاری کرده‌اند و این قبیل عدم هم‌آهنگی خواننده را نیز گمراه میسازد. باآنکه نام کتاب فارسی معاصر است در متن کتاب منون فارسی کلاسیک و فارسی محاوره و فارسی نوشتاری بهم آمیخته و کلماتی مانند آهوان (ص ۱۸) رخان (۱۹) که اختصاص به فارسی کلاسیک دارد بدون ذکر هیچ شرحی بعنوان مثال آمده است.

از کتاب آقای بویل که بگذریم دستور زبان رایج دیگری که در دست است نوشته خانم ان - لمتون استاد رشته خاورشناسی دانشگاه لندن میباشد ۱ که تحت عنوان دستور زبان فارسی در ۱۹۷۱ منتشر ساخته‌اند. خانم لمتون در مقدمه کتاب خود ذکر میکند که این کتاب برای دانشجویانی نوشته میشود که میخواهند زبان معاصر را فراگیرند و اظهار امیدواری میکند که آنها نیکه میل دارند فارسی کلاسیک را بیاموزند بتوانند آنرا استفاده کنند

خانم لمتون در مقدمه ضمن ذکر مصوت‌های پیشین و پسین فارسی ذکر میکند که مصوت‌های $U-\bar{a}-i$ طولانی‌تر از مصوت‌های $a-o-e$ هستند، در صورتیکه این امر بطور کلی در فارسی رایج امروز نیست، کشش سه مصوت مذکور (دسته اول) فقط بهنگام قرائت شعر فارسی ملاحظه میشود و اطلاق آن بصورت قاعده‌ای بر تمام سطوح زبان فارسی امروز اشتباه است. خانم لمتون در مقدمه کتاب دستور زبان خود میگوید که روش ایشان در ثبت زبان فارسی روش آوانگاری است نه انتقال حرف بحرف و تذکر داده‌اند که برای تمام حروفی که در الفبای فارسی دارای یک صدا هستند یک نشانه بکار بردند و همین روش را نیز در کتاب خود بکار بردند و از اینجهت روش ایشان بر روش آقای بویل مزیت دارد فقط اشتباهی که در تمام کتاب مکرراً تکرار گشته است آنستکه مثالهایی که با غ آوردند و با نشانه \bar{a} آوانگاری کرده‌اند در تمام موارد در زبان فارسی با \bar{a} = \bar{a} ادا میشود بنظر میرسد ایشان هم مانند آقای بویل فریب خط فارسی را خورده باشند. همین اشتباه در صفحات ۵۰ کلمه غروب - صفحه ۸۲ کلمه مبلغ صفحه ۱۶۴ کلمه دماغ صفحه ۲۵۱ کلمه آغشتن نیز تکرار گشته است.

این دستور نیز از عیوب دستور زبان قبلی از نظر آمیختگی انواع مختلف زبان فارسی مبری نیست یعنی در همین مثالهایی که آوردند نمونه‌هایی آمده است که اختصاص به متن ادبی دارد مانند گدایان - بازوان (در صفحه ۱۹). از طرفی مثالهایی را ذکر کرده‌اند که اختصاص به گویشی خاص یا رنگ محلی دارد و نمیتوان آنرا بعنوان مثالی برای زبان رایج فارسی تلقی کرد، در صفحه ۱۰۰ کلمه "پسرو" را مثال زده‌اند که اختصاص به شیوه گفتار اهالی بومی شیراز دارد.

در بسیاری از موارد آنچه آوانگاری کرده‌اند با آنچه بخط فارسی نوشته‌اند تطبیق نمی‌کند، از این قبیل دست ۹ کلمه‌ای که بعد از صفحه ۲۴ مقدمه داده‌اند. کلیه کلمات - دور - ذوق - شوق - فوج - خیر - سیل - صیف - عیب و میل را با فتحه برحرف اول نگاشته‌اند در حالیکه آوانگاری که زیر آن کلمات کرده‌اند با صورت فارسی آن مطابقت ندارد. در صفحات ۳-۶ و ۷ کلمه پنجره را با فتحه (بعد از ج) آوانگاری کرده‌اند، در حالیکه صورت معمول فارسی امروز با کسره است در صفحه ۹ جمع بازورا bazuan آوانگاری کرده‌اند که اشتباه است و صحیح آن bazuvan میباشد. در همان صفحه ذکر میکنند که حالت اضافه در اصل در فارسی باستان بصورت یک واژه مستقل بکار برده می‌شده که البته باین صورت صحیح نیست چون حالت اضافه در زبان فارسی باستان بصورت پسوند بکار میرفته است و در همان فقره اول متن فارسی باستان سنگ نبشته بیستون (بهستان) مثال - های فراوانی از حالت اضافه که بصورت پسوند بکار رفته بچشم می‌خورد. گذشته از موارد فوق مثالهایی در کتاب ایشان یافت می‌شود که معلوم است سعی کرده‌اند جملاتی بصورت تصنعی برای مبحث خود بسازند و گاه اینطور گمان می‌شود که جمله انگلیسی را بشاگردان ایرانی خود داده‌اند که ترجمه کند و او هم عیناً کلمه بکلمه ترجمه کرده است بطور مثال در صفحه ۷۸ جمله‌ای آورده‌اند که اینست:

"مهربانیرا که بمن نشان دادید فراموش نمیکنم" بنده که در چهل و اندی سال عمر چنین جمله‌ای در زبان فارسی نشنیده‌ام. شما چطور؟ این قبیل مثالها مرا یاد آورد دستور زبان دیگری شد که در کلاسهای خاورشناسان رواج دارد و آن "مبادی دستور زبان فارسی" تألیف آقای ال ول - ساتن استاد رشته فارسی دانشگاه ادین برو میباشد که چاپ آخر آن در ۱۹۷۷ انجام پذیرفته است.

در این کتاب نیز گاه با عبارات و جملاتی برمیخوریم که در زبان فارسی مصداق ندارد، مثلاً در مقابل جمله good boy عبارت فارسی "خوش پسر"؟ را آورده‌اند یا در صفحه ۴۷ جمله‌ای آورده‌اند که اینست "صندلی چیز دیگری نیست" و از این قبیل. در صفحه ۱۰ کلمه نوروز را با فتحه برحرف اول نوشته‌اند که در فارسی معاصر چنین ادا نمیشود. در بسیاری از موارد آوانگاری با صورت نوشتاری فارسی که ارائه داده‌اند مطابقت ندارد، بطور مثال در صفحه ۲۲ کلمه یکرا با فتحه برحرف اول آن نشان داده‌اند در صورتیکه در آوانگاری yek نوشته‌اند در صفحه ۲۴ نوشته‌اند کلماتی از اصل عربی را با پسوند جمع عربی مینویسند و برای مثال کلمه دستور را داده‌اند و جمع آنرا دستورات آورده‌اند، در حالیکه بهتر است جمع دستور را بهمان صورت دستورها نوشت نه دستورات. در صفحه ۷ کلمات پی و بین را با فتحه برحرف اول نوشته‌اند که باین صورت در فارسی ادا نمیشود. بقیه در صفحه ۶۰

داشته باشد و یکباره به سبب نام حاملباشی از پرگار درنرود و ماء موریت را بپذیرد و این کار را بسبب نام دون شاء ن کارمندی بحساب نیاورد معرفی کند و رئیس پرسنل بعد از ۲۴ ساعت کارمند مناسب و صمیمی شناخت و بمدیبرکل گمرک معرفی کرد. بالنتیجه ماحالا برای کارمند کار تهیه میکنیم و پرسنل برای کار هر نوع کار و حساب دوری و نزدیکی محل کار از خانه کارمند و رضایت باطنی کارمند، کار تهیه میکند. حاصل آنکه در تمام ایران اداره کل گمرک دارای دویست و بیست عضو بود. همان اداره گمرک در مرزبین ترکمانهای ساکن ایران و خاک ترکمنستان را که به هیچ عنوان ژاندارم و نظامی از دولت در آنجا ماء مور نبود و شهرت داشت که ترکمانها مردم بیگانه ای که به محل آنها وارد شود. اسیر کرده و به کارهای سخت و امیدارند (بخصوص که سنی نبوده باشد) و بالمآل محل ناامن و خطرناکی است. بادو سوار مسلح (البته با توافق خان محلی) از ورود قاچاق جدا "جلوگیری میکند و حق گمرکی دولت را وصول مینمود (اسناد گمرک مشهد گواه مطلب است که در آمدشایسته هم داشت).

۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳

در صفحه ۵۱ جزو مثالهایی که دادمانند اینست: "خوشوقتترین روز سال ایرانی عید نوروز است". البته در صفحه ۵۲ معادل انگلیسی کلمه خوشوقت در معرفی را happy نوشتند ولی در جمله فوق که خواستند کلمه خوشوقت را بهمان مفهوم بکار ببرند جملهای ساخته شده که باسیاق یافت زبان فارسی مطابقت ندارد. در صفحه ۷۷ کلمه تلفونا (تلفن باضافه تنوین) بکار بردمانند که چون کتاب دستور زبان است حق بود "بوسیله تلفن" می نوشتند نه تلفونا. در صفحه ۱۴۳ تلفظ منطقه Transoxania را ماوراءالنهر نوشتند که تلفظ آن ماوراءالنهر است. گذشته از موارد دستوری در محتوای کتابهای مذکور (مانند بسیاری از کتابهای خاورشناسان) مطالبی هست که قابل تعمق است و در خاتمه بحث فقط بذکر دو نمونه کوتاه اکتفا میکنم.

در صفحه ۱۰۷ نوشتند: "... چندسال است که هنرستان عالی موسیقی تأسیس شده...". چون کتاب چاپ ۱۹۷۷ است لازم بتذکر است که هنرستان عالی موسیقی در سال ۱۳۰۳ یعنی درست ۵۳ سال (نیم قرن) قبل از چاپ آخرین کتاب تأسیس یافته که در متن کتاب عبارت چند سال آمده است. در صفحه ۲۳۵ نوشته شده "در این مدت اسلام با عقاید ساده و عوام پسند خود نزدیک شد دین قدیم زردشتی را محو کند". بدون مجال بحث مفصل باید ذکر کنم که تعالیم عالی اسلام ضمن آنکه مورد قبول عامه مسلمانان هست باعث بوجود آمدن تمدن درخشان اسلامی گردید. همچنین عقاید اسلام و تعالیم آن زیربنای فکری متفکران بزرگی چون مولوی و حافظ را تشکیل میدهد و از طرفی تجلیات آنرا در آثار فلاسفای چون ملاصدرا می یابیم و اگر آن تعلیمات "ساده و عوام پسند" نامیده شود سخنی بس بناحق گفته شده است.